

تأثیر الگوهای ازدواج در رضایت زناشویی و تمایل به طلاق در شهر تهران

رسول صادقی*، نسیمه زنجری**، سراج‌الدین محمودیانی***

چکیده

در سال‌های اخیر، افزایش طلاق به یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی کشور تبدیل شده است. عوامل و بسترهای اقتصادی و اجتماعی متعددی به طلاق منجر می‌شود که یکی از آنها، الگوهای نامناسب ازدواج است. هدف از مقاله‌ی پیش‌رو، بررسی تأثیر الگوهای مختلف ازدواج در رضایت زناشویی و تمایل به طلاق در میان جوانان متأهل شهر تهران است. نتایج حاصل از اجرای پیمایش نمونه‌ای و تکنیک نمونه‌گیری چندمرحله‌ای از مصاحبه با تعداد ۷۲۰ جوان همسر دار در شهر تهران نشان داد که حدود یک‌پنجم جوانان متأهل بررسی شده رضایت پایینی از زندگی زناشویی و تمایل زیادی به طلاق دارند. براساس نتایج تحلیل چندمتغیره، الگوهای ازدواج تأثیر قوی و معناداری در رضایت زناشویی و تمایل به طلاق دارند. نتایج با کنترل متغیرهای اجتماعی-جمعیتی نشان داد که رابطه و معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج، الگوهای سنتی و مدرن انتخاب همسر و ناهمساز همسری طبقاتی به رضایت زناشویی کمتر و ریسک بیشتر طلاق منجر می‌شود.

واژگان کلیدی

سن ازدواج، ازدواج ترتیب‌یافته، رضایت زناشویی، تمایل به طلاق، جوانان.

*. دانشیار جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران و محقق مؤسسه مطالعات جمعیتی کشور (rassadeghi@ut.ac.ir)
**. استادیار سلامت و رفاه اجتماعی، مرکز تحقیقات سالمندی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی (نویسنده‌ی مسئول) (na.zanjari@uswr.ac.ir)

***. استادیار جمعیت‌شناسی، بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشگاه شیراز (serajmahmoudiani@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۲

۱. مقدمه و بیان مسئله

یکی از مسائل اجتماعی که در زمان معاصر اهمیت فزاینده و ابعاد پیچیده‌ای پیدا کرده است، مسئله‌ی طلاق است. هرچند که در بیشتر جوامع، طلاق راهی برای پایان دادن به ازدواج است، ولی طلاق عوارض و تبعاتی دارد که از دیرباز آن را یک مسئله‌ی اجتماعی کرده است (میرزایی، ۱۳۸۴: ۱۵۷). طلاق عامل ازهم‌گسیختگی ساختار بنیادی‌ترین بخش جامعه یعنی خانواده است. طلاق در لغت یعنی رهاشدن از عقد نکاح که به زن و شوهر این امکان را می‌دهد، تحت شرایطی پیوند زناشویی خود را گسیخته و از یکدیگر جدا شوند. به بیان دیگر، طلاق شیوه‌ی نهاده‌ی شده‌ی پایان دادن به ازدواج نامناسب است (فخرایی و حکمت، ۱۳۸۹: ۱۰۴). به تحولات خانواده که در اواخر قرن بیستم و ملازم با تغییرات جوامع اتفاق افتاد، عنوان تغییرات جهانی خانواده داده‌اند و تأکید کرده‌اند که در نتیجه‌ی عواملی مانند اشاعه یا ایده‌آلیسم توسعه این تحولات به سایر مناطق جهان راه یافته و جهانی شده است (Jayakody & et al, 2008:32). در ایران نیز از ابتدای قرن بیستم، الگوی سنتی خانواده همراه با شتاب گرفتن روند تحولات اقتصادی و اجتماعی در کشور، به تدریج تغییر کرده است. در این فاصله‌ی زمانی، برخی رویدادها و جریان‌های اجتماعی همانند توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی، اصلاحات اداری و قانونی، وقوع انقلاب و جنگ و فرایند دگرگونی ارزش‌ها در بافت سنتی خانواده تأثیرات مهمی بر جای گذاشته است (عباسی‌شوازی و عسکری‌ندوشن، ۱۳۸۴: ۵۰). در جامعه‌ی ایران، نسل‌های متوالی به‌طور متفاوتی در معرض تغییرات ازدواج و الگوهای آن بوده و بالطبع این تغییرات را به‌گونه‌ای متفاوت درک، باور و عملیاتی کرده‌اند (عسکری‌ندوشن و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۷۳). مطالعات مختلف به‌خوبی نشان می‌دهند که ابعاد مختلف خانواده‌ی ایرانی و به‌خصوص الگوهای مختلف ازدواج طی سال‌های اخیر دستخوش تغییراتی مانند افزایش سن ازدواج، تغییر در نحوه‌ی انتخاب همسر، فاصله‌ی سنی زوجین و... شده است (آستین‌فشان، ۱۳۸۰؛ آقا، ۱۳۸۳؛ شهری، ۱۳۸۵؛ صادقی و همکاران، ۱۳۸۶؛ محمودیان، ۱۳۸۳). همچنین تغییرات ساختاری همانند شهرنشینی و صنعتی شدن به بالا رفتن سن ازدواج، افزایش تحصیلات و تغییر در الگوهای ازدواج (Abbasi-Shavazi & Mc Donald, 2007:194) و در نهایت، به افزایش روزافزون طلاق انجامیده است. از اوایل دهه‌ی ۱۳۸۰ آمار طلاق در ایران افزایش یافته است.

در جامعه‌ی پیش از گذار ایران به علت سلطه‌ی همه جانبه‌ی جامعه بر فرد، نگاه منفی جامعه به واقعه‌ی طلاق و متضرر شدن خانواده‌ی گسترده از این واقعه، جز در مواردی نادر که ادامه‌ی حیات زوجین مخل کارکردهای اساسی خانواده بود، حتی در صورت سردی روابط زوجین طلاق رخ نمی‌داد (سرای، ۱۳۸۵: ۵۰-۴۹)، اما در حال حاضر، در جامعه‌ی ایران دیگر طلاق پدیده‌ای نادر نیست، بلکه تبدیل به یک مسئله‌ی مهم اجتماعی شده است.

عوامل زیادی در افزایش آمار طلاق نقش دارند لکن به نظر می‌رسد، عوامل اقتصادی-اجتماعی در این زمینه اهمیت بیشتری دارد (رازقی نصرآباد و فلاح‌نژاد، ۱۳۹۶: ۸۱) که یکی از مهم‌ترین آنها الگوهای نامناسب ازدواج است. مطالعات زیادی رابطه‌ی سن ازدواج و طلاق را بررسی کرده‌اند. ازدواج در سنین پایین یکی از متغیرهای پیش‌بینی‌کننده‌ی تزلزل، بی‌ثباتی زندگی زناشویی و درنهایت، طلاق است (Larson, Holman, 1994:230).

در سنین پایین ازدواج، زوجین مهارت‌های اجتماعی لازم را برای رابطه‌ی درازمدت زناشویی کسب نکرده و به بلوغ کامل نرسیده‌اند و همچنین اغلب به منابع اقتصادی و مالی کافی دسترسی ندارند. به نظر می‌رسد، علاوه بر سن ازدواج سایر الگوهای ازدواج مانند فاصله‌ی سنی زوجین؛ ازدواج فامیلی/غیرفامیلی؛ الگوی انتخاب همسر (ازدواج خودانتخابی یا ترتیب یافته)؛ دوستی و رابطه‌ی جنسی قبل از ازدواج و همسان‌همسری طبقاتی، تحصیلی، سنی و قومی نیز در رضایت زناشویی و تمایل به طلاق تأثیرگذارند. از این رو، هدف از مقاله‌ی پیش‌رو، بررسی تأثیر الگوهای مختلف ازدواج در رضایت زناشویی و تمایل به طلاق در میان جوانان متأهل در شهر تهران است.

۲. چارچوب نظری

برای تبیین ارتباط بین نوع خانواده و الگوهای ازدواج و طلاق سه دیدگاه نظری شامل نظریه‌ی یادگیری اجتماعی^۱، نظریه‌ی نظام‌ها^۲ و نظریه‌ی همسان‌همسری^۳ را می‌توان مطرح و بررسی کرد. بندورا^۴ در سال ۱۹۷۷ نظریه‌ی یادگیری اجتماعی را توسعه داد (Coleman & Ganong, 1984). این نظریه خانواده را یک واحد اجتماعی پایه می‌داند که نگرش نسبت به ابعاد مختلف زندگی از آنجا به وجود می‌آید. براساس نظریه‌ی یادگیری اجتماعی، چنانچه طلاق در یک منطقه به وجود آید و به موقع کنترل نشود، افراد آن را یاد می‌گیرند؛ برای مثال هنگامی که کودکان

1. Social learning
2. Systems theory
3. Homogamy theory
4. Bandura

در خانواده شاهد طلاق پدر و مادرشان هستند، در آینده، احتمال طلاق در بین آنها نیز بیشتر می‌شود و یا اینکه وقتی آمار طلاق افزایش یابد، از قبح آن کاسته شده و روزبه‌روز فراوانی آن بیشتر می‌شود (عنایت و همکاران، ۱۳۹۲: ۹).

گرگوری باتسن^۱ و دان جکسون^۲ اولین کسانی بودند که نظریه‌ی نظام‌ها را مطرح کردند. این نظریه، خانواده را چیزی بیش از مجموعه‌ی اجزایش می‌انگارد و آن را شامل افراد عضو آن، شخصیت‌ها و ویژگی‌هایشان و روابط بین آنها می‌داند. این نظریه بر وابستگی و روابط متقابل در ساختار خانواده تأکید کرده و واکنش متقابل آن با ابرنظام‌های بیرون از محدوده‌اش مانند محله و مدرسه را بررسی می‌کند (والچاک، ۱۳۶۶). نظریه‌ی نظام‌های خانواده بر زمینه و بستر خانوادگی که زن و شوهر در آن قرار گرفته‌اند، تأکید دارد. این نظریه بر این فرض استوار است که ازدواج و طلاق می‌تواند، در بستر روابط خانوادگی بهتر درک و فهمیده شود. زمانی که یک زوج ازدواج می‌کنند، درواقع، بیش از یک زن و شوهر ازدواج می‌کنند، همین‌طور زمانی که یک زوج طلاق می‌گیرد، بیش از یک زن و شوهر طلاق می‌گیرند. به‌نظر نظریه‌پردازان نظام خانواده، خانواده یک نظام اجتماعی متشکل از روابط پویا و وابسته است که هر عضو این نظام از اعمال دیگر اعضا و نیز کیفیت تعاملات بین دیگر اعضای خانواده تأثیر می‌پذیرد (Clark & Brentano, 2006).

نظریه‌ی مطرح دیگر در ارتباط با تمایل و گرایش به طلاق، نظریه‌ی همسان‌همسری است. مطابق این نظریه، استحکام خانواده ناشی از وجود ویژگی‌های همسان میان زن و شوهر است. همسانی میان دو فرد هم آنها را به‌سوی یکدیگر جذب می‌کند و هم پیوند و وصلت آنها را پایدار می‌کند. به باور هیل^۳ افراد در تلاش‌اند تا همسری همسان داشته باشند و چنانچه این قاعده به دلایلی رعایت نشود، ممکن است زوجین ناسازگار و درنهایت، جدا شوند. باورمن^۴ نیز معتقد است که انسان دانسته یا ندانسته در پی گزینش همسری است که با وی صفات مشترک دارد. همچنین به باور لاک و برگس^۵ بخت هر فرد بیشتر در راستای ازدواجی همسان‌گزینانه عمل می‌کند تا ناهمسان‌گزین (ریاحی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۱۸-۱۱۷). شنگ و یامامورا^۶ بر این باورند که

1. Gregory Bateson
2. Don Jackson
3. Hill
4. Bowerman
5. Lock and Burgess
6. Sheng and Yamamura

هرقدر پیوندهای قومی و فرهنگی میان زن و شوهر محکم‌تر باشد، به مراتب خطر جدایی آنها کمتر است. به‌طور کلی، هرقدر درجه‌ی همگونی بیشتر باشد، زناشویی استوارتر و پایدارتر است (اسحاقی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۷).

۳. پیشینه‌ی تحقیق

درباره‌ی طلاق و بسترهای بروز آن به‌ویژه با تأکید بر الگوهای ازدواج مطالعات متعددی انجام شده است؛ برینگتون و دایموند^۱ در مطالعه‌ای با عنوان «زهم‌پاشیدگی پیوند زناشویی در میان کوهورت متولدین ۱۹۵۸ در بریتانیا: نقش هم‌خانگی» به این نتیجه رسیدند که داشتن رابطه‌ی قبل از ازدواج و تجربه‌ی هم‌خانگی با میزان بالاتر شکست پیوند زناشویی و درنهایت، طلاق همبستگی دارد. به‌علاوه، آنها دریافتند که سن ازدواج نیز از دیگر متغیرهای تأثیرگذار در طلاق است (Berrington & Diamond, 1999). شوئن^۲ و همکاران در مطالعه‌ای با عنوان «اشتغال زنان، رضایت زناشویی و طلاق» به این نتیجه رسیدند که اشتغال زنان ازدواج‌های با رضایت را بی‌ثبات نمی‌کند، اما خطر اختلال و طلاق در ازدواج‌هایی که رضایت زناشویی کمی دارند را افزایش می‌دهد (Schoen & et al, 2002). در مطالعه دیگری توسط یای^۳ و همکاران در خصوص رابطه‌ی عوامل جمعیت‌شناختی و طلاق در چین نشان داد که رابطه‌ی منفی بین سن هنگام ازدواج و احتمال طلاق وجود دارد. با افزایش سن ازدواج، بین ۱۶ تا ۳۰ درصد احتمال طلاق کاهش می‌یابد. همچنین زوجین با وضعیت اقتصادی بالاتر نرخ بیشتری از طلاق را داشته‌اند، زیرا در طبقه‌ی بالا زنان بیشتر از نظر اقتصادی مستقل بوده‌اند و نگرش اجتماعی نسبت به طلاق آزادگرایانه‌تر بوده است. در این مطالعات، تعداد بچه‌ها با طلاق رابطه‌ی منفی دارد. همچنین احتمال طلاق در بین ازدواج‌های ترتیب‌یافته (اجباری) حدود ۲/۶ برابر ازدواج‌های غیرترتیب‌یافته (غیراجباری) است (Yi & et al, 2002). مطالعه‌ی براچر^۴ و همکاران در استرالیا نیز نشان داد که احتمال طلاق در زنانی که در ۲۰ سالگی ازدواج می‌کنند، دوسوم کسانی است که در نوجوانی ازدواج می‌کنند. همچنین احتمال طلاق در زنانی که در ۳۰ سالگی یا بیشتر ازدواج می‌کنند، یک‌ششم کسانی است که در نوجوانی ازدواج می‌کنند (Bracher & et al, 1993).

1. Berrington and Diamond

2. Schoen

3. Yi, Z

4. Bracher

تیچمن^۱ در مطالعه‌ی خود در میان زنان ایالات متحده آمریکا «رابطه‌ی هم‌خانگی و روابط صمیمی قبل از ازدواج با افزایش ریسک طلاق و ازهم‌پاشیدگی خانواده بعد از ازدواج» را بررسی کرده است. براساس نتایج مطالعه‌ی او، داشتن رابطه‌ی صمیمی قبل از ازدواج با شوهر فعلی با ریسک فزاینده‌ی طلاق همراه نبوده است، ولی داشتن رابطه‌ی صمیمی، رابطه‌ی جنسی و هم‌خانگی با افراد دیگر قبل از ازدواج با ریسک فزاینده‌ی طلاق همراه بوده است (Teachman, 2003). فوکما و بروئر^۲ در پژوهشی با عنوان «اشتغال و طلاق در میان زنان هلندی» دریافتند که سطح بالای آموزش تحصیلی زنان و نیز مشارکت آنها در نیروی کار به‌طور معناداری احتمال طلاق زنان را افزایش می‌دهد (Fokkema & Broer, 2004). کالمیجن^۳ و همکاران در پژوهش خود در هلند دریافتند که ازدواج‌های در افراد با مذهب متفاوت ریسک ازهم‌پاشیدگی پیوند زناشویی و طلاق را افزایش می‌دهد. به‌عبارتی همسان‌نبودن مذهبی با ریسک بالاتر طلاق همراه خواهد بود (Kalmijn, Graaf & Janssen, 2005). دوهرتی^۴ در تحقیق خود در آمریکا دریافته است که ازدواج در سنین پایین، درآمد و تحصیلات پایین، هم‌بستری قبل از ازدواج از عوامل مؤثر در گرایش به طلاق خواهد بود (Doherty, 2007). مطالعه‌ی هیویت^۵ در استرالیا نشان داد که احتمال طلاق با داشتن فرزند رابطه‌ی معکوس و با سطوح بالاتر تحصیلات در زنان رابطه‌ی مستقیم دارد، درمقابل، وجود تحصیلات بالاتر برای مردان احتمال شکست در ازدواج را کاهش می‌دهد (Hewitt, 2008). مطابق نتایج مطالعه‌ی آمبرت^۶ در کانادا با عنوان «طلاق، تأثیرات، علل و پیامدهای آن» علل افزایش طلاق در کانادا عوامل فرهنگی و جمعیت‌شناختی است. ازدواج در سنین پایین، درآمد کم، هم‌بستری قبل از ازدواج و پرورش‌یافتن در خانواده‌ی طلاق از عوامل مهم تمایل و گرایش به طلاق بوده است (Ambert, 2009). مطالعه‌ی برناردی و پستور^۷ در اسپانیا نشان داده است که بین تحصیلات دانشگاهی زنان و مشارکت آنها در نیروی کار با احتمال طلاق رابطه وجود دارد، اما از شدت این رابطه در طول زمان و در کوهورت‌های ازدواجی اخیر کاسته شده است. همچنین یافته‌ها نشان داد که داشتن فرزند از احتمال و ریسک طلاق زوجین می‌کاهد. نتایج مطالعه‌ی مذکور گویای آن بود که داشتن اختلاف سنی با شوهر و تجربه‌ی هم‌خانگی و بارداری قبل از

1. Teachman
2. Fokkema and Liefbroer
3. Kalmijn
4. Doherty
5. Hewitt
6. Ambert
7. Bernardi and Pastor

ازدواج با ریسک طلاق رابطه‌ی مثبتی در بین کوهورت‌های ازدواجی اخیر دارد (Bernardi & Pastor, 2001). مطالعه‌ی دوماراجو^۸ در هند نشان داده است که نداشتن فرزند احتمال طلاق و جدایی را تا ۱۰ برابر افزایش می‌دهد. همچنین نتیجه گرفته است که احتمال طلاق در بین زوجینی که فرزند پسر ندارند، درمقایسه با کسانی که حداقل یک فرزند پسر دارند، سه‌برابر است (Dommaraju, 2016).

در مطالعات داخلی، گلشن در بررسی خود در شهرستان خوی به این نتیجه می‌رسد که ازدواج در سنین پایین، وجود اختلاف سنی بین زوجین، کوتاه‌بودن مدت زناشویی مشترک، میزان تحصیلات و پیش‌رسی ازدواج از جمله متغیرهای جمعیت‌شناختی تأثیرگذار در طلاق هستند (گلشن، ۱۳۷۲). جلیلیان نیز نشان داده است که فاصله‌ی سنی زیاد زوجین، برتری تحصیلات زنان بر مردان با تمایل افراد به درخواست طلاق رابطه وجود دارد (جلیلیان، ۱۳۷۵). مددی در پژوهش خود در شهرستان اراک نتیجه می‌گیرد که ازدواج اجباری یا به‌عبارت دیگر ازدواج ترتیب‌یافته در کنار تفاهم‌نداشتن و بیکاری عمده‌ترین علل تقاضای طلاق زوجین در آن شهرستان بوده است (مددی، ۱۳۸۰). مطالعه‌ی ریاحی، علیوردی‌نیا و بهرامی کاکاوند در شهرستان کرمانشاه نیز نشان داده است که تفاوت سنی و تحصیلی زوجین در گرایش به طلاق اثرگذار بوده است (ریاحی، علیوردی‌نیا و بهرامی، ۱۳۸۶). مطالعه‌ی دیگر مانند رحیمی، ریحانی و عجم، شیرزاد و کاظمی فر رابطه‌ی بین ازدواج در سنین پایین و تفاوت سنی زوجین با طلاق را تأیید کرده‌اند (رحیمی، ۱۳۷۹؛ ریحانی و عجم، ۱۳۸۱؛ شیرزاد و کاظمی فر، ۱۳۸۳).

نتایج مطالعه‌ی ملتفت و احمدی در داراب نشان داد که مدت زندگی مشترک، اختلاف سنی زوجین، اختلاف تحصیلی زوجین و سن ازدواج با میزان گرایش به طلاق رابطه‌ی مستقیم و معناداری دارد. همچنین یافته‌های این مطالعه نشان داد که زوجین خویشاوند نسبت به زوجین غیرخویشاوند گرایش کمتری به طلاق دارند (ملتفت و احمدی، ۱۳۸۷). غیائی و همکاران در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی علل اجتماعی گرایش به طلاق در شیراز» به این نتیجه رسیدند که بین اختلاف تحصیلی زوجین، اختلاف سنی زوجین، تحصیلات زن و سن ازدواج با گرایش زنان به طلاق رابطه‌ی معنادار و مستقیمی وجود دارد و درمقابل رابطه‌ی متغیرهای مدت زندگی مشترک و تعداد فرزندان با گرایش به طلاق معنادار و معکوس است (غیائی، معین و روستا، ۱۳۸۹). مطالعه‌ی توسلی و غیائی‌ندوشن در شهر یزد نشان می‌دهد که اشتغال زنان در بی‌ثباتی زندگی

زناشویی و در نتیجه، تمایل به طلاق تأثیرگذار بوده است (توسلی و غیائی‌ندوشن، ۱۳۹۰). مطالعه‌ی خلج‌آبادی‌فراهانی در بین دانشجویان متأهل در شهر تهران نشان داد که داشتن روابط متعدد قبل از ازدواج از میزان رضایت زناشویی می‌کاهد (خلج‌آبادی‌فراهانی و دیگران، ۱۳۹۱).

۴. روش تحقیق و داده‌ها

روش تحقیق این مطالعه پیمایشی است؛ داده‌های مورد نیاز با استفاده از اجرای پیمایش نمونه‌ای و تکمیل پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته از ۷۲۰ جوان همسر دار ۱۵ تا ۳۰ سال ساکن شهر تهران در سال ۱۳۹۳ گردآوری شد. برای انتخاب نمونه از شیوه‌ی نمونه‌گیری چندمرحله‌ای استفاده شد؛ بدین ترتیب که ابتدا با استفاده از شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای، ۸ منطقه‌ی شهری تهران شامل مناطق ۱، ۲، ۵، ۶، ۹، ۱۳، ۱۵ و ۱۹ که در خوشه‌های مختلف توسعه‌ای قرار دارند (مناطق ۱ و ۲ در سطح توسعه‌ای بالا، مناطق ۵ و ۶ در سطح توسعه‌ای متوسط به بالا، مناطق ۹ و ۱۳ در سطح توسعه‌ای متوسط به پایین و مناطق ۱۵ و ۱۹ در سطح توسعه‌ای پایین)، انتخاب شدند. در سطوح مختلف توسعه‌ای، تعداد نمونه برابر و حدود ۱۸۰ نمونه تعیین شد. در درون هر منطقه، دو محله و در درون هر محله سه بلوک به صورت تصادفی انتخاب شدند و ۱۰ پرسشگر آموزش‌دیده مقابل در منازل با نمونه‌ی واجد شرایط مصاحبه کردند و پرسش‌نامه‌ها تکمیل شد.

متغیر مستقل تحقیق «الگوهای ازدواج» است که با معیارهایی مانند سن ازدواج، فاصله‌ی سنی زوجین، ازدواج فامیلی/غیرفامیلی، الگوی انتخاب همسر، دوستی و رابطه‌ی جنسی قبل از ازدواج و اشکال مختلف همسان‌همسری (سنی، تحصیلی، طبقاتی و قومی) سنجش شده است. اشکال مختلف همسان‌همسری براساس ویژگی‌های سن، تحصیلات، قومیت و پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده قبل از ازدواج زن و شوهر سنجش شده است؛ برای مثال، در همسان‌همسری طبقاتی، ابتدا پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده‌های زن و شوهر پرسیده شده و سپس همسان‌همسری طبقاتی براساس جدول دوبعدی سنجیده شده است.

متغیرهای وابسته‌ی تحقیق شامل دو متغیر «رضایت زناشویی» و «تمایل به طلاق» است. شاخص رضایت زناشویی از ۸ گویه ساخته شده و مقدار آلفای کرونباخ آن ۰/۸۹ است. شاخص تمایل به طلاق براساس ۱۰ گویه ساخته شده و مقدار آلفای کرونباخ آن ۰/۹۳ است. علاوه بر اینها، در بررسی تأثیر الگوهای ازدواج در رضایت زناشویی و تمایل به طلاق از متغیرهای اجتماعی و جمعیتی مانند سن، جنس، قومیت، تحصیلات، وضعیت اشتغال و وضعیت اقتصادی خانوار نیز

به‌عنوان متغیرهای کنترل استفاده شده است. در تحلیل داده‌ها از آزمون‌های آماری توصیفی و تحلیلی دومتغیری (کای اسکوئر و آزمون‌های t و F) و چندمتغیری (تحلیل عاملی و تحلیل طبقه‌بندی چندگانه) استفاده شده است.

۵. یافته‌های پژوهش

در این بخش از مقاله، ابتدا ویژگی‌های جمعیتی نمونه، الگوهای ازدواج و میزان رضایت زناشویی جوانان و همچنین سنجش تمایل آنها به طلاق بررسی شده است و در ادامه نتایج تحلیل‌های دومتغیره و چندمتغیری تبیین می‌شود.

۵-۱. ویژگی‌های جمعیتی نمونه

ویژگی‌های جمعیتی نمونه‌ی بررسی شده در جدول شماره‌ی ۱ منعکس شده است. براین اساس، از تعداد ۷۲۰ نمونه‌ی بررسی شده از جوانان متأهل شهر تهران، حدود ۴۴ درصد مرد و ۵۶ درصد زن بوده است. بیشتر پاسخگویان (۷۵ درصد) در گروه سنی ۲۹-۲۵ سال قرار داشتند. میانگین سنی پاسخگویان ۲۷ سال بوده است.

جدول ۱. مشخصه‌های جمعیتی نمونه‌ی بررسی شده ۱۳۹۳

درصد	تعداد	مشخصه‌های جمعیتی	
۳,۵	۲۵	۱۵-۱۹ سال	سن (میانگین سنی - ۲۶,۹ سال)
۲۱,۹	۱۵۸	۲۰-۲۴ سال	
۷۴,۶	۵۳۷	۲۵-۲۹ سال	
۴۳,۷	۳۱۵	مرد	جنسیت
۵۶,۳	۴۰۵	زن	

درصد	تعداد	مشخصه های جمعیتی	
۱۷,۹	۱۲۹	زیردیپلم	سطح تحصیلات
۳۷,۵	۲۷۰	دیپلم	
۴۴,۶	۳۲۱	دانشگاهی	
۱۷,۸	۱۲۸	زیردیپلم	سطح تحصیلات همسر پاسخگو
۴۱,۹	۳۰۲	دیپلم	
۴۰,۳	۲۹۰	دانشگاهی	
۶۶	۴۷۵	فقط شوهر شاغل	وضعیت شغلی زوجین
۲۶,۳	۱۸۹	هر دو شاغل	
۷,۸	۵۶	هر دو غیر شاغل	
۱۸,۱	۱۳۰	فقیر / ضعیف	وضعیت اقتصادی خانوار
۳۳,۸	۲۴۳	متوسط به پایین	
۳۶,۷	۲۶۴	متوسط به بالا	
۱۱,۵	۸۳	مرفه	
۱۰۰,۰	۷۲۰	تعداد نمونه	

از نظر وضعیت تحصیلات حدود ۴۵ درصد نمونه تحصیلات دانشگاهی، ۳۷ درصد تحصیلات دیپلم و ۱۸ درصد زیر دیپلم بوده‌اند. به لحاظ وضعیت شغلی، حدود ۴۰ درصد پاسخگویان مشاغل تمام‌وقت و ۱۴ درصد نیز مشاغل پاره‌وقت داشتند. مقایسه‌ی وضعیت شغلی مردان و زنان نشان می‌دهد که ۷۴ درصد مردان شغل تمام‌وقت دارند، در حالی که این نسبت برای زنان فقط ۱۴ درصد بوده است. بیشتر زنان بررسی‌شده (۶۴ درصد) خانه‌دار بوده‌اند. به علاوه، در نمونه‌های بررسی‌شده حدود ۶۶ درصد فقط مرد شاغل، ۲۶ درصد زن و مرد هر دو شاغل و حدود ۸ درصد زن و مرد هر دو غیرشاغل بوده‌اند. از نظر وضعیت اقتصادی خانوار ۱۲ درصد مرفه و ۳۷ درصد متوسط به بالا بوده‌اند.

۲-۵. الگوهای ازدواج

الگوهای ازدواج نمونه‌های بررسی‌شده در جدول شماره ۲ نشان داده شده است. بر این اساس، حدود ۴۱ درصد پاسخگویان در سنین ۲۹-۲۵ سالگی ازدواج کرده‌اند، البته بیشتر مردان (۶۳ درصد) در این گروه سنی ازدواج کرده‌اند، در حالی که بیشتر زنان (۴۶ درصد) در گروه سنی ۲۴-۲۰ سالگی ازدواج کرده‌اند. در میانگین فاصله‌ی سنی زوجین مردان حدود ۴ سال بزرگ‌تر از زنان بوده‌اند. همچنین نتایج نشان داد، چهار پنجم پاسخگویان فاصله‌ی سنی با همسر خود را مناسب می‌دانند. در خصوص الگوی ازدواج خویشاوندی یافته‌ها نشان داد که ۲۱ درصد با خویشاوند درجه‌ی یک، ۲۱ درصد با خویشاوند درجه‌ی دو و ۵۸ درصد با غیر خویشاوند ازدواج کرده‌اند.

جدول ۲. ویژگی‌های ازدواجی جوانان متأهل بررسی شده

زنان		مرد		هر دو جنس		ویژگی‌های ازدواجی	
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۲۹,۴	۱۱۹	۳,۲	۱۰	۱۷,۹	۱۲۹	۱۵-۱۹ سالگی	سن ازدواج
۴۶,۴	۱۸۸	۳۳,۷	۱۰۶	۴۰,۸	۲۹۴	۲۰-۲۴ سالگی	
۲۴,۲	۹۸	۶۳,۲	۱۹۹	۴۱,۳	۲۹۷	۲۵-۲۹ سالگی	
۶,۹	۲۸	۱۰,۸	۳۴	۸,۶	۶۲	۰ همسال	فاصله‌ی سنی با همسر
۲۵,۲	۱۰۲	۳۷,۱	۱۱۷	۳۰,۴	۲۱۹	۱-۳ سال مرد بزرگتر	
۳۹,۵	۱۶۰	۲۸,۶	۹۰	۳۴,۷	۲۵۰	۴-۶ سال مرد بزرگتر	
۱۷,۰	۶۹	۸,۶	۲۷	۱۳,۳	۹۶	۷-۹ سال مرد بزرگتر	
۸,۴	۳۴	۲,۶	۵	۵,۴	۳۹	۱۰ سال و بیشتر مرد بزرگتر	
۲,۵	۱۰	۶,۳	۲۰	۴,۲	۳۰	۱-۳ سال زن بزرگتر	
۰,۴	۲	۷,۰	۲۲	۳,۴	۲۴	۴ سال و بیشتر زن بزرگتر	
۴,۹ مرد بزرگتر		۳,۶ مرد بزرگتر		۴,۳ مرد بزرگتر		میانگین فاصله‌ی سنی	
۷۹,۳	۳۲۱	۸۱,۳	۲۵۶	۸۰,۱	۵۷۷	فاصله‌ی سنی مناسب با همسر	ارزیابی فاصله‌ی سنی با همسر
۲۰,۷	۸۴	۱۸,۷	۵۹	۱۹,۹	۱۴۳	فاصله‌ی سنی نامناسب با همسر	
۲۱,۰	۸۵	۲۱,۰	۶۶	۲۱,۰	۱۵۱	خویشاوند نزدیک (درجه‌ی یک)	نسبت با همسر
۲۱,۰	۸۵	۲۰,۰	۶۳	۲۰,۶	۱۴۸	خویشاوند درجه‌ی دو	
۵۸,۰	۲۳۵	۵۹,۰	۱۸۶	۵۸,۵	۴۲۱	غیر خویشاوند	

زنان		مرد		هر دو جنس		ویژگی‌های ازدواجی	
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۱۰,۹	۴۴	۳,۲	۱۰	۷,۵	۵۴	ازدواج ترتیب یافته	
۷۸,۶	۳۱۸	۸۵,۴	۲۶۹	۸۱,۶	۵۸۷	ازدواج شبه ترتیب یافته	
۱۰,۶	۴۳	۱۱,۴	۳۶	۱۱,۰	۷۹	ازدواج خودانتخابی	
۷,۷	۳۱	۵,۷	۱۸	۶,۸	۴۹	اصلاً موافق نبودند	
۷,۷	۳۱	۸,۳	۲۶	۷,۹	۵۷	کم	
۲۱,۰	۸۵	۲۴,۴	۷۷	۲۲,۵	۱۶۲	تاحدودی	
۳۷,۳	۱۵۱	۳۰,۵	۹۶	۳۴,۳	۲۴۷	زیاد	
۲۶,۴	۱۰۷	۳۱,۱	۹۸	۲۸,۵	۲۰۵	خیلی زیاد	
۱۶,۵	۶۷	۱۰,۸	۳۴	۱۴,۰	۱۰۱	خیلی کم	
۱۵,۳	۶۲	۱۴,۳	۴۵	۱۴,۹	۱۰۷	کم	
۳۹,۰	۱۵۸	۳۵,۹	۱۱۳	۳۷,۶	۲۷۱	تاحدودی	
۲۰,۰	۸۱	۱۹,۷	۶۲	۱۹,۹	۱۴۳	زیاد	
۹,۱	۳۷	۱۹,۴	۶۱	۱۳,۶	۹۸	خیلی زیاد	
۳۴,۱	۱۳۸	۳۶,۸	۱۱۶	۳۵,۳	۲۵۴	بلی	با همسر فعلی
۶۵,۹	۲۶۷	۶۳,۲	۱۹۹	۶۴,۷	۴۶۶	خیر	
۲۹,۴	۱۱۹	۴۳,۵	۱۳۷	۳۵,۶	۲۵۶	بلی	با غیر همسر
۷۰,۶	۲۸۶	۵۶,۵	۱۷۸	۶۴,۴	۴۶۴	خیر	
۱۲,۱	۴۹	۱۳,۷	۴۳	۱۲,۸	۹۲	بلی	با همسر فعلی
۸۷,۹	۳۵۶	۸۶,۳	۲۷۲	۸۷,۲	۶۲۸	خیر	
۷,۹	۳۲	۲۴,۴	۷۷	۱۵,۱	۱۰۹	بلی	با غیر همسر
۹۲,۱	۳۷۳	۷۵,۶	۲۳۸	۸۴,۹	۶۱۱	خیر	
۱۰۰,۰	۴۰۵	۱۰۰,۰	۳۱۵	۱۰۰,۰	۷۲۰	تعداد نمونه	

بررسی الگوی همسر یابی و نحوه‌ی انتخاب همسر نشان داد که بیشتر پاسخگویان (۴۷ درصد) با انتخاب خودشان و تأیید والدین همسرشان را انتخاب کرده‌اند؛ این شیوه در میان مردان بیشتر از زنان بوده است. انتخاب والدین بدون توجه به نظر جوانان (ازدواج اجباری) حدود ۸ درصد بوده است که در میان زنان بیشتر مشاهده می‌شود. همچنین ۳۴ درصد انتخاب توسط والدین و با تأیید خود جوانان بوده است. حدود ۱۱ درصد نمونه نیز خودشان به‌تنهایی و بدون تأیید و موافقت والدینشان همسر خود را انتخاب کرده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که حدود ۱۵ درصد والدین با ازدواج جوانان یا موافق نبوده یا خیلی کم موافق بوده، ۲۲ درصد تا حدودی موافق بوده و ۶۳ درصد کاملاً موافق بوده‌اند. از نظر شناخت همسر قبل از ازدواج نیز نتایج نشان داد که ۲۹ درصد شناخت اندکی داشته، حدود ۳۸ درصد تا حدودی قبل از ازدواج از همسر خود شناخت داشته‌اند و حدود ۳۴ درصد شناخت زیادی از همسر خود داشته‌اند. براساس یافته‌ها، تنها حدود ۴۲ درصد پاسخگویان قبل از ازدواج درباره‌ی همسرشان تحقیق کرده‌اند.

میانگین طول مدت نامزدی پاسخگویان نیز ۱۰ ماه بوده است. همچنین، حدود ۳۵ درصد پاسخگویان با همسر فعلی خود قبل از ازدواج رابطه‌ی دوستی داشته‌اند. این نسبت برای مردان اندکی بیشتر از زنان بوده است. ۳۶ درصد پاسخگویان نیز اعلام کرده‌اند با فردی غیر از همسر خود نیز رابطه‌ی دوستی قبل از ازدواج داشته‌اند. این نسبت برای مردان ۴۴ درصد و برای زنان ۲۹ درصد بوده است. در خصوص تجربه‌ی رابطه و تماس جنسی قبل از ازدواج ۱۳ درصد با همسر فعلی خود (۱۴ درصد برای مردان و ۱۲ درصد برای زنان) قبل از ازدواج تجربه‌ی رابطه و تماس جنسی داشته‌اند. تجربه‌ی رابطه‌ی جنسی قبل از ازدواج با غیر همسر حدود ۱۵ درصد بوده است؛ این تجربه برای مردان ۲۴ درصد و زنان ۸ درصد بوده است.

جدول ۳. توزیع ابعاد مختلف همسان همسری در میان پاسخگویان

درصد	تعداد	ابعاد همسان همسری	
۶۴,۹	۴۶۷	همسان همسری طبقاتی	
۱۷,۶	۱۲۷	ناهمسان همسری - طبقه‌ی خانواده مرد بالاتر	همسان همسری طبقاتی
۱۷,۵	۱۲۶	ناهمسان همسری - طبقه‌ی خانواده زن بالاتر	
۵۲,۱	۳۷۵	همسان همسری تحصیلی	
۲۴,۶	۱۷۷	ناهمسان همسری - تحصیلات مرد بالاتر	همسان همسری تحصیلی
۲۳,۳	۱۶۸	ناهمسان همسری - تحصیلات زن بالاتر	
۷۲,۵	۵۲۲	همسان همسری قومی	
۲۷,۵	۱۹۸	ناهمسان همسری قومی	
۸,۶	۶۲	همسان همسری سنی	
۸۳,۹	۶۰۴	ناهمسان همسری سنی - مرد بزرگتر	همسان همسری سنی
۷,۵	۵۴	ناهمسان همسری سنی - زن بزرگتر	
۱۰۰,۰	۷۲۰	تعداد نمونه	

الگوهای همسان همسری نیز در چهار بعد طبقاتی، تحصیلی، قومی - زبانی و سنی در جدول شماره ۳ بررسی شده است. همسان همسری طبقاتی با توجه به طبقه‌ی اقتصادی و اجتماعی خانواده‌های زن و شوهر سنجش شده است. براین اساس، از نظر طبقاتی حدود ۶۵ درصد پاسخگویان همسان و هم کفو بوده‌اند. در مقابل، ۳۵ درصد ناهمسان همسری طبقاتی داشته‌اند، که در نیمی از آنها طبقه‌ی اجتماعی خانواده‌ی شوهر و در نیمی دیگر طبقه‌ی خانواده‌ی زن بالاتر بوده است. همچنین ۵۲ درصد افراد بررسی شده همسان همسری تحصیلی و ۴۸ درصد ناهمسان همسری تحصیلی داشته‌اند که در ۲۵ درصد مرد و در ۲۳ درصد زن تحصیلات بالاتری داشته است. به لحاظ قومی و زبانی حدود ۷۳ درصد همسانی داشته و از یک قوم و زبان بوده‌اند و حدود ۲۷ درصد ناهمسان همسری قومی داشته‌اند. از نظر سنی، حدود ۹ درصد افراد بررسی شده همسان همسری سنی و ۹۲ درصد ناهمسان همسری سنی (۸۴ درصد مرد بزرگتر و ۸ درصد زن بزرگتر) داشته‌اند.

۳-۵. رضایت زناشویی

رضایت از زندگی زناشویی افراد بررسی شده در ابعاد مختلف در جدول شماره ۴ ارزیابی و سنجش شده است. براین اساس، بیش از ۶۴ درصد پاسخگویان از زندگی زناشویی خود احساس شادمانی و خوشبختی در حد زیاد و خیلی زیاد دارند. همچنین حدود ۷۷ درصد آنها به هم اعتماد زیاد و خیلی زیاد دارند. حدود ۷۶ درصد پاسخگویان تا حد زیاد و خیلی زیادی به هم عشق و علاقه دارند. حدود ۷۲ درصد پاسخگویان احساس زوجیت و دوتایی در زندگی خود دارند. حدود ۷۰ درصد رضایت جنسی بالایی دارند. حدود ۶۲ درصد معتقدند که انتظارات و خواسته‌هایشان از همدیگر برآورده می‌شود. حدود ۶۴ درصد از نحوه تعامل خانواده‌ی همسرشان رضایت دارند. در خصوص رضایت مالی و اقتصادی ۱۳ درصد جوانان زیاد و ۵۷ درصد تاحدودی از وضعیت مالی و اقتصادی خود و همسرشان رضایت داشتند.

جدول ۴. توزیع نظرات پاسخگویان در گویه‌های سنجش رضایت زناشویی (%)

تعداد نمونه	خیلی زیاد	زیاد	تا حدودی	کم	خیلی کم	ابعاد بررسی شده
۷۲۰	۳۰٫۸	۳۳٫۶	۲۶٫۴	۴٫۹	۴٫۳	احساس شادمانی و خوشبختی
۷۲۰	۴۷٫۵	۲۹٫۶	۱۵٫۴	۵٫۱	۲٫۴	اعتماد و وفاداری به هم
۷۱۸	۴۱٫۹	۳۴٫۰	۱۵٫۷	۶٫۰	۲٫۴	عشق و علاقه به همدیگر
۷۱۷	۴۰٫۷	۳۰٫۸	۱۸٫۵	۷٫۳	۲٫۶	احساس زوجیت و دوتایی
۷۲۰	۳۶٫۹	۳۳٫۱	۲۱٫۳	۵٫۳	۳٫۵	رضایت جنسی
۷۱۸	۳۲٫۵	۲۹٫۰	۲۸٫۸	۶٫۷	۳٫۱	برآورده شدن انتظارات و خواسته‌های همدیگر
۷۲۰	۳۸٫۹	۲۵٫۰	۲۰٫۱	۱۱٫۷	۴٫۳	رضایت از نحوه تعامل خانواده همسر با شما

تعداد نمونه	خیلی زیاد	زیاد	تا حدودی	کم	خیلی کم	ابعاد بررسی شده
۷۲۰	۱,۹	۱۱,۴	۵۶,۷	۱۵,۶	۱۴,۴	رضایت از وضعیت مالی و اقتصادی
۰,۰۰۱	سطح معناداری آزمون بار تلت		۰,۹۰۸		نتایج تحلیل عاملی: KMO	
۰,۸۸۴	مقدار آلفای کرونباخ		۵۸,۶		مقدار واریانس تبیین شده (%)	

با توجه به گویه‌های مذکور و استفاده از تکنیک تحلیل عاملی شاخص رضایت زناشویی ساخته شد. براساس نمرات شاخص، افراد نمونه به لحاظ رضایت از زندگی زناشویی در سه گروه طبقه‌بندی شدند. حدود ۱۷ درصد رضایت پایین، ۴۴ درصد در حد متوسط و ۳۹ درصد رضایت زیادی از زندگی زناشویی خود داشته‌اند.

۴-۵. تمایل و گرایش به طلاق

برای سنجش تمایل به طلاق از ۱۰ گویه استفاده شد. وضعیت پاسخگویان در گویه‌های بررسی شده در جدول شماره ۵ آمده است. براین اساس، حدود ۴۱ درصد پاسخگویان طلاق را یکی از مراحل زندگی می‌دانند که ممکن است روزی برای آنها نیز اتفاق بیافتد. به علاوه، ۱۸ درصد پاسخگویان طلاق را یک امر محتمل در زندگی خود دانسته و خود را آماده برای طلاق گرفتن می‌دانند. همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهد که نزدیک ۱۷ درصد پاسخگویان اظهار کرده‌اند که حتی اگر از حق و حقوقشان بگذرند، تمایل به طلاق داشته و حاضرند طلاق بگیرند. حدود ۱۷ درصد پاسخگویان نیز گفته‌اند، حتی اگر ازدواج مجددی هم در کار نباشد باز هم حاضرند طلاق بگیرند. حدود ۱۴ درصد نیز گفته‌اند حتی اگر والدینشان آنها را طرد کنند، تمایل به طلاق داشته و حاضرند طلاق بگیرند. نکته‌ی تأمل‌برانگیز دیگر این است که حدود ۹ درصد پاسخگویان اظهار داشته‌اند که با وجود جدایی از بچه‌هایشان حاضرند طلاق بگیرند. همچنین ۱۶ درصد پاسخگویان گفته‌اند هیچ امیدی به درست شدن زندگی‌شان ندارند و به طلاق فکر می‌کنند.

به علاوه، یافته‌ها نشان می‌دهد، ۱۱ درصد جوانان متأهل بررسی شده، ازدواج خود را اشتباه دانسته و بیان کرده‌اند، بالاخره روزی از همسرشان جدا می‌شوند و طلاق می‌گیرند. همچنین ۱۰ درصد پاسخگویان گفته‌اند، احساس می‌کنند اگر از همسرشان جدا شوند زندگی‌شان بهتر خواهد شد. در نهایت، حدود ۱۵ درصد پاسخگویان تنها اجبار را دلیل ماندن با همسر خود و طلاق نگرفتن می‌دانند و بیان کرده‌اند اگر مجبور نبودند حتی حاضر نمی‌شدند که یک لحظه هم با همسرشان زندگی کنند.

جدول ۵. توزیع نظرات پاسخگویان در گویه‌های سنجش تمایل و گرایش به طلاق (%)

تعداد نمونه	کاملاً مخالف	مخالف	بدون نظر	موافق	کاملاً موافق	گویه‌های تمایل و گرایش به طلاق
۷۱۹	۲۲,۳	۱۵,۹	۲۱,۰	۲۳,۱	۱۷,۸	طلاق یک مرحله‌ی زندگی است که برای من هم ممکن است روزی رخ دهد
۷۱۹	۳۰,۰	۳۰,۹	۲۱,۳	۱۲,۸	۵,۰	طلاق را یک امر محتمل در زندگی‌ام می‌دانم
۷۱۷	۳۲,۹	۳۲,۵	۱۷,۷	۱۰,۵	۶,۴	حاضرم طلاق بگیرم، حتی اگر شده از حق و حقوقم بگذرم
۷۱۶	۳۱,۴	۳۰,۶	۲۱,۲	۱۲,۷	۴,۱	حاضرم طلاق بگیرم، حتی اگر نتوانم دوباره ازدواج کنم
۷۱۷	۳۲,۹	۳۶,۰	۱۷,۲	۸,۵	۵,۴	حتی اگر والدینم مرا طرد کنند، تمایل دارم طلاق بگیرم
۷۱۶	۴۱,۹	۳۳,۸	۱۵,۵	۶,۱	۲,۷	می‌خواهم طلاق بگیرم، حتی اگر از بچه‌هایم جدا شوم
۷۱۸	۳۵,۴	۳۱,۲	۱۷,۰	۹,۷	۶,۷	هیچ امیدمی که زندگی‌ام خوب بشه ندارم و به طلاق فکر می‌کنم
۷۲۰	۵۸,۳	۲۱,۱	۹,۳	۶,۱	۵,۱	ازدواجم اشتباه بوده و روزی از همسرم جدا می‌شوم

تعداد نمونه	کاملاً مخالف	مخالف	بدون نظر	موافق	کاملاً موافق	گویه‌های تمایل و گرایش به طلاق
۷۱۹	۶۰,۶	۱۸,۹	۱۰,۷	۶,۵	۳,۲	اگر از همسرم جدا شوم، زندگی‌ام بهتر خواهد شد
۷۱۹	۳۶,۹	۲۸,۴	۲۰,۲	۸,۶	۶,۰	اگر مجبور نبودم یک لحظه هم حاضر نبودم با همسرم زندگی کنم و طلاق می‌گرفتم
۰,۰۰۱	سطح معناداری آزمون بارتلت		۰,۹۱		نتایج تحلیل عاملی: KMO	
۰,۹۲۹	مقدار آلفای کرونباخ شاخص		۶۱,۹		مقدار واریانس تبیین شده (%)	

با توجه به نتایج تحلیل عاملی و نمره‌ی عاملی به‌دست‌آمده برای شاخص، میزان تمایل و گرایش جوانان بررسی‌شده به طلاق طبقه‌بندی شد. براین‌اساس، ۲۸ درصد تمایل و گرایش کم به طلاق داشته، درمقابل، حدود ۱۸ درصد جوانان بررسی‌شده تمایل و گرایش زیادی به طلاق داشته‌اند. همچنین ۵۴ درصد آنها در حد متوسط به طلاق تمایل داشته‌اند.

۵-۵. نتایج تحلیل دومتغیره

در این بخش از مقاله، رابطه‌ی مشخصه‌های اجتماعی-جمعیتی و الگوهای ازدواج با رضایت زناشویی و تمایل به طلاق در سطح روابط دومتغیره بررسی شده است.

۵-۵-۱. مشخصه‌های اجتماعی-جمعیتی، رضایت زناشویی و تمایل به طلاق

جدول شماره‌ی ۶ رابطه‌ی دومتغیره‌ی مشخصه‌های جمعیتی با رضایت زناشویی و تمایل به طلاق را بررسی می‌کند. براین‌اساس، افراد متأهل زیر ۲۰ سال، رضایت زناشویی پایینی داشته و به‌طور معناداری تمایل بیشتری به طلاق داشته‌اند. با اینکه زنان در مقایسه با مردان رضایت زناشویی پایین‌تری داشتند، ولی در تمایل به طلاق تفاوت معناداری بین دو جنس وجود نداشت.

جدول ۶. رابطه‌ی مشخصه‌های جمعیتی با رضایت زناشویی و تمایل به طلاق (%).

تمایل به طلاق				رضایت زناشویی				مشخصه‌های اجتماعی - جمعیتی	
زیاد	متوسط	کم	میانگین شاخص	زیاد	متوسط	کم	میانگین شاخص		
۲۸,۰	۵۶,۰	۱۶,۰	۵۴,۲	۲۰,۰	۵۶,۰	۲۴,۰	۴۶,۶	سال ۱۵-۱۹	سن
۲۳,۴	۴۶,۲	۳۰,۴	۵۰,۷	۳۹,۹	۴۲,۴	۱۷,۷	۴۹,۵	سال ۲۰-۲۴	
۱۵,۶	۵۶,۲	۲۸,۱	۴۹,۶	۳۹,۹	۴۴,۱	۱۶,۰	۵۰,۳	سال ۲۵-۲۹	
$X^2=9.555$ Sig=0.049			F=2.979 Sig=0.050	$X^2=4.382$ Sig=0.357			F=1.821 Sig=0.103	آزمون آماری	
۱۸,۱	۵۳,۳	۲۸,۶	۴۹,۹	۴۲,۹	۴۶,۳	۱۰,۸	۵۱,۷	مرد	جنسیت
۱۷,۵	۵۴,۶	۲۷,۹	۵۰,۱	۳۶,۳	۴۲,۵	۲۱,۲	۴۸,۶	زن	
$X^2=0.110$ Sig=0.947			t=-0.270 Sig=0.787	$X^2=14.141$ Sig=0.001			t=4.115 Sig=0.001	آزمون آماری	
۳۱,۸	۴۳,۴	۲۴,۸	۵۲,۵	۳۱,۰	۴۸,۱	۲۰,۹	۴۷,۸	زیردیلم	سطح تحصیلات پاسخگو
۱۵,۶	۵۷,۰	۲۷,۴	۴۹,۹	۳۴,۸	۴۶,۳	۱۸,۹	۴۸,۹	دیلم	
۱۴,۰	۵۵,۸	۳۰,۲	۴۹,۰	۱۳,۱	۴۰,۸	۴۶,۱	۵۱,۸	دانشگاهی	
$X^2=21.908$ Sig=0.001			F=5.478 Sig=0.004	$X^2=13.663$ Sig=0.001			F=9.696 Sig=0.001	آزمون آماری	
۲۱,۱	۵۵,۵	۲۳,۴	۵۰,۷	۳۰,۵	۴۷,۷	۲۱,۹	۴۷,۹	زیردیلم	سطح تحصیلات همسر پاسخگو
۱۷,۵	۵۵,۶	۲۶,۸	۵۰,۳	۳۳,۸	۴۹,۰	۱۷,۲	۴۹,۲	دیلم	
۱۶,۶	۵۱,۷	۳۱,۷	۴۹,۴	۴۸,۶	۳۷,۶	۱۳,۸	۵۱,۷	دانشگاهی	
$X^2=4.033$ Sig=0.401			F=1.015 Sig=0.364	$X^2=19.705$ Sig=0.001			F=8.108 Sig=0.001	آزمون آماری	

تمایل به طلاق				رضایت زناشویی				مشخصه‌های اجتماعی - جمعیتی	
زیاد	متوسط	کم	میانگین شاخص	زیاد	متوسط	کم	میانگین شاخص		
۱۳,۵	۵۶,۴	۳۰,۱	۴۸,۹	۴۰,۸	۴۵,۳	۱۳,۹	۵۰,۹	فقط شوهرشاغل	وضعیت شغلی زوج
۱۹,۰	۵۱,۳	۲۹,۶	۵۰,۳	۴۰,۲	۴۱,۸	۱۸,۰	۴۹,۶	هر دو شاغل	
۵۰,۰	۴۲,۹	۷,۱	۵۸,۵	۲۱,۴	۴۲,۹	۳۵,۷	۴۳,۷	هر دو غیرشاغل	
$X^2=49.435$ Sig=0.001			$F=24.877$ Sig=0.001	$X^2=19.861$ Sig=0.001			$F=13.419$ Sig=0.001	آزمون آماری	
۳۹,۲	۴۶,۲	۱۴,۶	۵۵,۵	۲۳,۸	۴۶,۲	۳۰,۰	۴۵,۵	فقیر / ضعیف	وضعیت اقتصادی خانوار
۱۲,۸	۵۵,۲	۳۲,۰	۴۸,۷	۴۱,۰	۴۵,۶	۱۳,۴	۵۰,۸	متوسط	
۱۴,۵	۵۹,۰	۲۶,۵	۴۹,۴	۵۱,۸	۳۲,۵	۱۵,۷	۵۲,۲	مرفه	
$X^2=54.315$ Sig=0.001			$F=25.972$ Sig=0.001	$X^2=31.647$ Sig=0.001			$F=17.807$ Sig=0.001	آزمون آماری	

تأثیر تحصیلات در رضایت زناشویی و تمایل به طلاق به این صورت بوده است که با افزایش سطح تحصیلات، رضایت زناشویی به‌طور معناداری افزایش و در مقابل، تمایل به طلاق کاهش یافته است. به‌علاوه، یافته‌ها نشان می‌دهد در خانواده‌هایی که زن و مرد، هر دو، غیرشاغل هستند، رضایت زناشویی پایین بوده و به‌طور معناداری تمایل و گرایش به طلاق در میان آنها بالاست. همچنین، در میان افراد با وضعیت نامناسب اقتصادی خانوار، رضایت زناشویی پایین و در مقابل تمایل به طلاق زیاد است.

۵-۵-۲. الگوهای ازدواج، رضایت زناشویی و تمایل به طلاق

جدول شماره ۷ رابطه‌ی دومتغیره‌ی الگوهای مختلف ازدواج با رضایت زناشویی و تمایل به طلاق را بررسی کرده است. براین اساس، سن ازدواج تأثیر معناداری در رضایت زناشویی دارد؛ جوانانی که در سنین زیر ۲۰ سال ازدواج کرده‌اند، رضایت زناشویی پایین‌تری دارند، باین حال، متغیر سن ازدواج تأثیر معناداری در تمایل به طلاق نداشت. درخصوص فاصله‌ی سنی، یافته‌ها بیانگر رابطه‌ی منفی این متغیر با رضایت زناشویی و رابطه‌ی مثبت آن با شاخص تمایل به طلاق است. درواقع، هرچه تفاوت سنی بین زوجین بیشتر باشد، رضایت زناشویی کمتر شده و تمایل به طلاق افزایش می‌یابد. الگوی ازدواج خویشاوندی/غیرخویشاوندی تأثیر معناداری در رضایت زناشویی و تمایل به طلاق نداشت.

نحوه‌ی انتخاب همسر با رضایت زناشویی و تمایل به طلاق رابطه‌ی قوی و معناداری دارد. براین اساس، افرادی که والدین بدون تأیید آنها همسرشان را انتخاب کرده‌اند (ازدواج ترتیب‌یافته) و همچنین افرادی که خود همسرشان را انتخاب کرده و این انتخاب با تأیید و موافقت والدین همراه نبوده است (ازدواج خودانتخابی)، رضایت زناشویی پایین‌تری داشته و تمایل به طلاق در بین آنها بیشتر است. درمقابل، بیشترین رضایت زناشویی و کمترین تمایل به طلاق در میان افرادی است که ازدواجشان با انتخاب و تأیید توأمان فرد و والدین همراه بوده است. تأیید و موافقت والدین با ازدواج امر مهمی است که می‌تواند نقش ضربه‌گیر حمایتی درمقابل طلاق داشته باشد. براساس نتایج، هرچه موافقت والدین با ازدواجی بیشتر باشد، رضایت زناشویی افزایش و درمقابل تمایل افراد به طلاق در درون آن ازدواج کاهش می‌یابد. همچنین، اینکه افراد قبل از ازدواج از همسر خود شناخت داشته و یا راجع به آن تحقیق کرده‌اند، رضایت زناشویی را افزایش و تمایل افراد به طلاق را کاهش می‌دهد.

تجربه‌ی رابطه‌ی دوستی و معاشرت با جنس مخالف پیش از ازدواج از عواملی است که در رضایت زناشویی و تمایل به طلاق تأثیر معناداری دارد. تجربه‌ی معاشرت و رابطه‌ی جنسی قبل از ازدواج با فردی غیر از همسر فعلی، به کاهش معنادار رضایت زناشویی و تمایل به طلاق منجر شده است. ازاین‌رو، افرادی که قبل از ازدواج تجربه‌ی معاشرت و رابطه‌ی جنسی با جنس مخالف (غیر همسر فعلی) داشته، در زندگی زناشویی خود با مشکل مواجه شده و ریسک طلاق در بین آنها بالاست.

جدول ۷. رابطه‌ی دومتغیره‌ی الگوهای ازدواج با رضایت زناشویی و تمایل به طلاق (%).

تمایل به طلاق				رضایت زناشویی				الگوهای ازدواج	
زیاد	متوسط	کم	میانگین شاخص	زیاد	متوسط	کم	میانگین شاخص		
۲۰,۲	۵۱,۹	۲۷,۹	۵۰,۶	۳۲,۶	۴۱,۹	۲۵,۶	۴۷,۵	۱۵-۱۹ سالگی	سن ازدواج
۱۶,۳	۵۲,۷	۳۱,۰	۴۹,۵	۴۰,۸	۴۳,۲	۱۶,۰	۵۰,۵	۲۰-۲۴ سالگی	
۱۸,۲	۵۶,۲	۲۵,۶	۵۰,۲	۴۰,۴	۴۶,۱	۱۳,۵	۵۰,۵	۲۵-۲۹ سالگی	
X ² =2.76 Sig.=0.599			F=0.584 Sig.=0.558	X ² =10.29 Sig.=0.036			F=4.95 Sig.=0.007	آزمون آماری	
r=0.080 sig=0.035				r=-0.118 sig=0.003				تفاوت سنی با همسر (به سال)	
۱۲,۷	۵۴,۸	۳۲,۶	۴۸,۶	۴۴,۲	۴۲,۳	۱۳,۵	۵۱,۴	بلی، مناسب است	ارزیابی فاصله‌ی سنی
۳۸,۵	۵۱,۰	۱۰,۵	۵۵,۷	۱۸,۹	۵۱,۷	۲۹,۴	۴۴,۳	خیر، مناسب نیست	
X ² =63.07 Sig.=0.001			t=-7.89 Sig.=0.001	X ² =38.35 Sig.=0.001			F=61.74 Sig.=0.001	آزمون آماری	
۲۲,۵	۴۷,۰	۳۰,۵	۵۰,۹	۳۱,۱	۴۹,۷	۱۹,۲	۴۸,۸	خویشاوند نزدیک	نسبت با همسر
۲۰,۹	۵۴,۷	۲۴,۳	۵۱,۰	۳۸,۵	۴۲,۶	۱۸,۹	۴۹,۵	خویشاوند درجه‌ی دو	
۱۵,۰	۵۶,۳	۲۸,۷	۴۹,۳	۴۲,۳	۴۲,۸	۱۵,۰	۵۰,۶	غیر خویشاوند	
X ² =7.50 Sig.=0.111			F=2.26 Sig.=0.105	X ² =6.63 Sig.=0.157			F=2.11 Sig.=0.122	آزمون آماری	

تمایل به طلاق				رضایت زناشویی				الگوهای ازدواج	
زیاد	متوسط	کم	میانگین شاخص	زیاد	متوسط	کم	میانگین شاخص		
۴۴,۴	۴۶,۳	۹,۳	۵۷,۶	۱۱,۱	۵۱,۹	۳۷,۰	۴۱,۹	ازدواج ترتیب یافته	الگوی انتخاب همسر
۱۲,۶	۵۵,۷	۳۱,۷	۴۸,۴	۴۴,۵	۴۳,۴	۱۲,۱	۵۱,۷	ازدواج شبه ترتیب یافته	
۳۸,۰	۴۶,۸	۱۵,۲	۵۶,۷	۱۹,۰	۴۴,۳	۳۶,۷	۴۳,۳	ازدواج خودانتخابی	
X ² =65.36 Sig.=0.001			F=46.51 Sig.=0.001	X ² =63.91 Sig.=0.001			F=49.3 Sig.=0.001	آزمون آماری	
۳۲,۷	۴۹,۰	۱۸,۴	۵۵,۵	۲۰,۴	۳۴,۷	۴۴,۹	۴۲,۹	اصلاً موافق نبودند	میزان موافقت والدین با ازدواج
۳۶,۸	۵۰,۹	۱۲,۳	۵۵,۲	۱۹,۳	۴۲,۱	۳۸,۶	۴۳,۸	کم	
۲۷,۲	۵۱,۲	۲۱,۶	۵۲,۲	۳۲,۷	۵۰,۶	۱۶,۷	۴۸,۴	تاحدودی	
۹,۷	۶۵,۲	۲۵,۱	۴۸,۹	۳۳,۶	۵۵,۹	۱۰,۵	۵۰,۹	زیاد	
۱۱,۲	۴۴,۹	۴۳,۹	۴۶,۹	۶۱,۰	۲۷,۸	۱۱,۲	۵۳,۶	خیلی زیاد	
X ² =77.27 Sig.=0.001			F=16.65 Sig.=0.001	X ² =110.49 Sig.=0.001			F=21.96 Sig.=0.001	آزمون آماری	
۲۲,۸	۵۱,۵	۲۵,۷	۵۱,۲	۳۶,۶	۳۶,۶	۲۶,۷	۴۷,۳	خیلی کم	میزان شناخت همسر قبل از ازدواج
۱۸,۷	۶۲,۶	۱۸,۷	۵۱,۳	۲۷,۱	۵۱,۴	۲۱,۵	۴۷,۷	کم	
۱۸,۱	۵۲,۸	۲۹,۲	۴۹,۷	۳۲,۵	۵۳,۵	۱۴,۰	۴۹,۶	تاحدودی	
۱۹,۶	۵۱,۰	۲۹,۴	۵۰,۸	۴۵,۵	۳۵,۷	۱۸,۹	۵۰,۹	زیاد	
۸,۲	۵۵,۱	۳۶,۷	۴۷,۱	۶۴,۳	۳۰,۶	۵,۱	۵۵,۲	خیلی زیاد	

تمایل به طلاق				رضایت زناشویی				الگوهای ازدواج				
زیاد	متوسط	کم	میانگین شاخص	زیاد	متوسط	کم	میانگین شاخص					
X ² =15.91 Sig.=0.050				F=3.28 Sig.=0.011	X ² =55.87 Sig.=0.001				F=10.77 Sig.=0.001		آزمون آماری	
۱۶,۵	۵۷,۵	۲۶,۰	۵۰,۶	۴۱,۳	۴۱,۲	۱۷,۳	۴۹,۹	بلی	با همسر فعلی	تجربیه رابطه‌ی دوستی قبل از ازدواج		
۱۸,۵	۵۲,۱	۲۹,۴	۴۹,۷	۳۸,۰	۴۵,۷	۱۶,۳	۵۰,۰	خیر				
X ² =1.89 Sig.=0.389				t=1.21 Sig.=0.225	X ² =1.28 Sig.=0.526				t=-0.06 Sig.=0.956		آزمون آماری	
۲۲,۱	۵۴,۶	۲۳,۲	۵۰,۹	۳۷,۹	۴۱,۴	۲۰,۷	۴۹,۱	بلی	با غیر همسر			
۱۷,۰	۵۲,۶	۳۰,۴	۴۹,۴	۳۹,۹	۴۵,۷	۱۴,۴	۵۰,۵	خیر				
X ² =4.18 Sig.=0.051				t=1.83 Sig.=0.050	X ² =4.73 Sig.=0.094				t=-1.74 Sig.=0.083		آزمون آماری	
۲۷,۵	۴۱,۳	۳۱,۲	۵۱,۴	۴۸,۶	۲۷,۵	۲۳,۹	۴۹,۸	بلی	با همسر فعلی			
۱۶,۰	۵۶,۳	۲۷,۷	۴۹,۷	۳۷,۵	۴۷,۱	۱۵,۴	۵۰,۰	خیر				
X ² =11.13 Sig.=0.004				t=1.43 Sig.=0.153	X ² =14.97 Sig.=0.001				t=-0.20 Sig.=0.844		آزمون آماری	
۲۹,۳	۴۵,۷	۲۵,۰	۵۳,۳	۳۴,۸	۳۴,۸	۳۰,۴	۴۶,۷	بلی	با غیر همسر			
۱۶,۱	۵۵,۳	۲۸,۷	۴۹,۵	۳۹,۸	۴۵,۵	۱۴,۶	۵۰,۵	خیر				
X ² =9.69 Sig.=0.008				t=3.46 Sig.=0.001	X ² =14.62 Sig.=0.001				t=-3.41 Sig.=0.001		آزمون آماری	

همسان همسری/هم کفبودن یکی دیگر از ابعاد مهم ازدواج است که در رضایت، ثبات و تداوم زندگی زناشویی تأثیر بسزایی دارد. درمقابل، ناهمسان همسری در اختلافات زناشویی، جدایی و طلاق اثری مثبت دارد. در این زمینه، جدول شماره ۸ رابطه‌ی همسان/ناهمسان همسری را با رضایت زناشویی و تمایل به طلاق می‌آزماید. براین اساس، در افرادی که همسان همسری طبقاتی داشته‌اند، رضایت زناشویی بیشتر بوده و در نتیجه، تمایل کمتری به طلاق دارند. درمقابل، در افرادی که ناهمسان همسری طبقاتی وجود دارد، به‌ویژه در مواردی که طبقه‌ی اقتصادی و اجتماعی خانواده‌ی زن بالاتر از مرد است، رضایت زناشویی پایین‌تر و در نتیجه تمایل به طلاق بیشتر است. همسان همسری سنی، تحصیلی و قومی تأثیر معناداری در رضایت زناشویی و تمایل به طلاق ندارند. هرچند در این ابعاد نیز در موارد ناهمسان همسری رضایت زناشویی کمتر و تمایل به طلاق بیشتر است.

جدول ۸. رابطه‌ی دومتغیره‌ی ابعاد مختلف همسان همسری با رضایت زناشویی و تمایل به طلاق

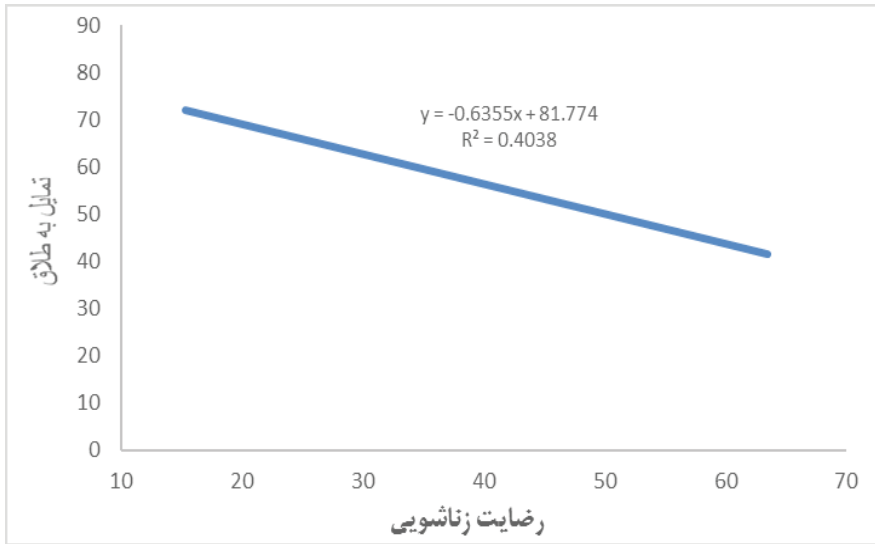
تمایل به طلاق				رضایت زناشویی				مقوله‌ها	متغیر
زیاد	متوسط	کم	میاتکین شاخص	زیاد	متوسط	کم	میاتکین شاخص		
۱۱,۳	۵۹,۷	۲۹,۰	۴۸,۷	۳۵,۵	۵۱,۶	۱۲,۹	۵۰,۸	همسان همسری سنی	همسان همسری سنی
۱۷,۵	۵۴,۳	۲۸,۱	۵۰,۰	۳۹,۶	۴۳,۵	۱۶,۹	۴۹,۹	ناهمسان همسری سنی - مرد بزرگتر	
۲۷,۸	۴۴,۴	۲۷,۸	۵۱,۶	۳۸,۹	۴۲,۶	۱۸,۵	۴۹,۵	ناهمسان همسری سنی - زن بزرگتر	
X ² =5.82 Sig.=0.212			F=1.22 Sig.=0.296	X ² =1.76 Sig.=0.780			F=0.27 Sig.=0.762	آزمون آماری	

تمایل به طلاق				رضایت زناشویی				مقوله‌ها	متغیر
زیاد	متوسط	کم	میانگین شاخص	زیاد	متوسط	کم	میانگین شاخص		
۱۶٫۸	۵۲٫۰	۳۱٫۲	۴۹٫۳	۴۰٫۸	۴۲٫۷	۱۶٫۵	۵۰٫۳	همسان همسری تحصیلی	همسان همسری تحصیلی
۱۷٫۵	۵۹٫۳	۲۳٫۲	۵۱٫۲	۴۱٫۲	۴۴٫۶	۱۴٫۱	۵۰٫۱	ناهمسان همسری (تحصیلات مرد بالاتر)	
۲۰٫۲	۵۳٫۰	۲۶٫۸	۵۰٫۲	۳۳٫۳	۴۷٫۰	۱۹٫۶	۴۹٫۴	ناهمسان همسری (تحصیلات زن بالاتر)	
$X^2=4.93$ Sig.=0.295			F=2.26 Sig.=0.105	$X^2=4.01$ Sig.=0.406		F=0.45 Sig.=0.640		آزمون آماری	
۱۷٫۲	۵۴٫۴	۲۸٫۴	۴۹٫۸	۴۰٫۸	۴۳٫۷	۱۵٫۵	۵۰٫۳	همسان همسری قومی	همسان همسری قومی
۱۹٫۲	۵۳٫۰	۲۷٫۸	۵۰٫۴	۳۴٫۸	۴۵٫۵	۱۹٫۷	۴۹٫۲	ناهمسان همسری قومی	
$X^2=0.37$ Sig.=0.829			t=-0.67 Sig.=0.503	$X^2=2.91$ Sig.=0.234		t=-1.25 Sig.=0.214		آزمون آماری	

تمایل به طلاق				رضایت زناشویی				مقوله‌ها	متغیر
زیاد	متوسط	کم	میانگین شاخص	زیاد	متوسط	کم	میانگین شاخص		
۱۱,۶	۵۸,۵	۳۰,۰	۴۸,۵	۴۲,۴	۴۶,۷	۱۰,۹	۵۱,۵	همسان همسری طبقاتی	
۲۵,۲	۴۵,۷	۲۹,۱	۵۱,۷	۳۹,۴	۳۸,۶	۲۲,۰	۴۹,۳	ناهمسان همسری (طبقه‌ی خانواده‌ی مرد بالاتر)	
۳۳,۳	۴۶,۰	۲۰,۶	۵۳,۹	۲۷,۰	۴۰,۵	۳۲,۵	۴۵,۱	ناهمسان همسری (طبقه‌ی خانواده‌ی زن بالاتر)	
X ² =39.18 Sig.=0.001			F=17.39 Sig.=0.001	X ² =38.48 Sig.=0.001			F=21.98 Sig.=0.001	آزمون آماری	

۵-۳-۳. رضایت زناشویی و تمایل به طلاق

شکل شماره ۱ نشان می‌دهد، بین رضایت زناشویی و تمایل به طلاق رابطه‌ی منفی و معناداری وجود دارد. براین اساس، افرادی که از زندگی زناشویی رضایت پایینی دارند، به جدایی و طلاق تمایل زیادی داشته‌اند؛ برای مثال، ۵۷ درصد افرادی که از زندگی زناشویی رضایت پایینی داشته، تمایل زیادی به طلاق داشته‌اند، درحالی‌که این تمایل برای افراد با رضایت زناشویی بالا فقط ۱ درصد بوده است.



شکل ۱. رابطه‌ی شاخص رضایت زناشویی با نمره‌ی شاخص تمایل به طلاق

۵-۴-۵. نتایج تحلیل چندمتغیره

نتایج تحلیل‌های دومتغیره بیانگر نقش تعیین‌کننده‌ی الگوهای ازدواج در نارضایتی زناشویی و تمایل به طلاق است. با این حال، تحلیل‌های دومتغیره فقط نوعی تحلیل ناخالص بدون کنترل سایر متغیرها ارائه می‌کنند. بنابراین، فقط اتکا به نتایج آنها موجب تفسیر نادرست از روابط می‌شود، زیرا بسیاری از متغیرهای مستقل با همدیگر همپوشی و ارتباط متقابل دارند. با استفاده از آزمون «تحلیل طبقه‌بندی چندگانه (MCA)» اثرات الگوهای ازدواج در رضایت زناشویی و تمایل به طلاق با کنترل متغیرهای اجتماعی-جمعیتی اثرگذار در مدل ۲ جدول شماره‌ی ۹ تحلیل شد. یافته‌ها حاکی است، قبل از کنترل عوامل اجتماعی-جمعیتی (جنسیت، تحصیلات، وضعیت شغلی و وضعیت اقتصادی)، تمام متغیرهای مربوط به ازدواج در رضایت زناشویی تأثیر معناداری داشته‌اند، اما با کنترل عوامل مذکور هرچند اثرگذاری متغیرهای مرتبط با الگوهای ازدواج کاهش داشته، اما فقط سن ازدواج معناداری خود را از دست داده است. در میان متغیرهای مربوط به ازدواج، الگوی انتخاب همسر، میزان موافقت والدین با ازدواج، میزان شناخت همسر قبل از ازدواج و همسان‌همسری طبقاتی بیشترین اثرگذاری را بر میزان رضایت از زندگی زناشویی دارند.

جدول ۹. نتایج تحلیل چندمتغیره‌ی (آزمون MCA) تأثیر الگوهای ازدواج در رضایت زناشویی و تمایل به طلاق با کنترل متغیرهای اجتماعی-جمعیتی

تمایل به طلاق		رضایت زناشویی		نتایج آزمون تحلیل طبقه‌بندی چندگانه (MCA)	
Adjusted for Factors	Unadjusted	Adjusted for Factors	Unadjusted		
۴۹,۶	۵۰,۶	۴۹,۷	۴۷,۵	۱۵-۱۹ سالگی	سن ازدواج
۵۰,۰	۴۹,۵	۵۰,۱	۵۰,۵	۲۰-۲۴ سالگی	
۵۰,۱	۵۰,۲	۵۰,۱	۵۰,۶	۲۵-۲۹ سالگی	
۰,۰۱۸ ^{ns}	۰,۰۴۰ ^{ns}	۰,۰۱۵ ^{ns}	۰,۱۱۷ ^{oo}	Beta & Eta	
۵۷,۵	۵۷,۶	۴۲,۵	۴۱,۹	ترتیب یافته	الگوی انتخاب همسر
۴۸,۹	۴۸,۴	۵۰,۹	۵۱,۶	شبه‌ترتیب یافته	
۵۳,۰	۵۶,۷	۴۸,۷	۴۳,۳	خودانتخابی	
۰,۲۴۹ ^{ooo}	۰,۳۳۹ ^{ooo}	۰,۲۲۳ ^{ooo}	۰,۳۴۸ ^{ooo}	Beta & Eta	
۵۱,۶	۵۵,۵	۴۵,۶	۴۳,۰	اصلاً	میزان موافقت والدین با ازدواج
۵۳,۷	۵۵,۲	۴۴,۵	۴۳,۸	کم	
۵۱,۸	۵۲,۲	۴۸,۸	۴۸,۴	تاحدودی	
۴۹,۹	۴۸,۹	۵۰,۳	۵۰,۹	زیاد	
۴۷,۳	۴۶,۹	۵۳,۲	۵۳,۶	خیلی زیاد	
۰,۲۰۲ ^{ooo}	۰,۲۹۲ ^{ooo}	۰,۲۶۴ ^{ooo}	۰,۳۳۱ ^{ooo}	Beta & Eta	

تمایل به طلاق		رضایت زناشویی		نتایج آزمون تحلیل طبقه‌بندی چندگانه (MCA)	
Adjusted for Factors	Unadjusted	Adjusted for Factors	Unadjusted		
۵۱,۴	۵۱,۲	۴۷,۶	۴۷,۳	خیلی کم	میزان شناخت همسر قبل از ازدواج
۵۰,۹	۵۱,۳	۴۸,۱	۴۷,۷	کم	
۴۹,۴	۴۹,۷	۴۹,۸	۴۹,۶	تاحدودی	
۵۰,۹	۵۰,۸	۵۰,۷	۵۰,۹	زیاد	
۴۷,۸	۴۷,۱	۵۴,۱	۵۵,۲	خیلی زیاد	
۰,۱۱۵°	۰,۱۳۴°	۰,۱۹۴°	۰,۲۳۸°	Beta & Eta	
۴۹,۳	۴۸,۵	۵۰,۶	۵۱,۰	ندارد	معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج
۵۰,۶	۵۱,۳	۴۹,۴	۴۹,۱	دارد	
۰,۰۵۹°	۰,۱۴۴°	۰,۰۶۱°	۰,۰۹۳°	Beta & Eta	
۴۹,۰	۴۸,۵	۵۱,۱	۵۱,۵	همسان	همسان‌همسری طبقاتی
۵۱,۵	۵۱,۷	۴۸,۸	۴۹,۳	ناهمسان-مرد بالاتر	
۵۲,۳	۵۳,۹	۴۷,۳	۴۵,۱	ناهمسان-زن بالاتر	
۰,۱۴۰°	۰,۲۱۵°	۰,۱۵۲°	۰,۲۴۰°	Beta & Eta	

تمایل به طلاق		رضایت زناشویی		نتایج آزمون تحلیل طبقه‌بندی چندگانه (MCA)	
Adjusted for Factors	Unadjusted	Adjusted for Factors	Unadjusted		
۵۰,۶	۴۹,۹	۵۰,۹	۵۱,۷	مرد	جنسیت
۴۹,۵	۵۰,۱	۴۹,۱	۴۸,۷	زن	
۰,۰۵۴ ^{ns}	۰,۰۱۳ ^{ns}	۰,۰۶۵ [*]	۰,۱۴۸ ^{***}	Beta & Eta	
۵۱,۳	۵۲,۵	۴۹,۲	۴۷,۸	زیر دیپلم	سطح تحصیلات
۵۰,۱	۵۰,۰	۴۹,۰	۴۸,۹	دیپلم	
۴۹,۴	۴۹,۰	۵۱,۱	۵۱,۸	دانشگاهی	
۰,۰۶۵ ^{ns}	۰,۱۲۳ ^{***}	۰,۱۰۳ ^{***}	۰,۱۶۲ ^{***}	Beta & Eta	
۴۹,۲	۴۸,۹	۵۰,۸	۵۰,۹	فقط مرد شاغل	
۵۰,۴	۵۰,۳	۴۹,۰	۴۹,۶	هر دو شاغل	وضعیت شغلی زوجین
۵۵,۴	۵۸,۵	۴۶,۷	۴۳,۸	هر دو بیکار	
۰,۱۶۵ ^{***}	۰,۲۵۵ ^{***}	۰,۱۲۳ ^{***}	۰,۱۹۰ ^{***}	Beta & Eta	

تمایل به طلاق		رضایت زناشویی		نتایج آزمون تحلیل طبقه‌بندی چندگانه (MCA)	
Adjusted for Factors	Unadjusted	Adjusted for Factors	Unadjusted		
۵۳,۲	۵۵,۵	۴۸,۱	۴۵,۵	ضعیف	وضعیت اقتصادی
۴۹,۱	۴۸,۷	۵۰,۲	۵۰,۸	متوسط	
۵۰,۳	۴۹,۴	۵۱,۵	۵۲,۲	خوب (مرفه)	
۰,۱۵۵ ^{***}	۰,۲۶۰ ^{***}	۰,۱۰۱ [*]	۰,۲۱۸ ^{***}	Beta & Eta	
۱۲,۰۷ ^{***}	-	۱۴,۰۵ ^{***}	-	F Model	
۰,۵۲۵	-	۰,۵۵۴	-	R	
% ۲۷,۶	-	% ۳۰,۷	-	R ² (%)	

ns غیرمعنادار + سطح ۱۰ درصد (P<0.10)؛ * سطح ۵ درصد (P<0.05)؛ ** سطح ۱ درصد (P<0.01)؛ *** سطح ۰/۱ درصد (P<0.001).

نتایج تحلیل چندمتغیره درباره‌ی تأثیر الگوهای ازدواج در تمایل به طلاق نشان می‌دهد که سن ازدواج اثر معناداری ندارد، اما سایر مؤلفه‌ها و متغیرهای ازدواج حتی با کنترل اثرات عوامل اجتماعی-جمعیتی، همچنان در رضایت زناشویی و تمایل افراد به طلاق تأثیر معناداری دارند. در این میان، اثرگذاری متغیرهایی نظیر الگوی انتخاب همسر، میزان موافقت والدین و همسان‌همسری طبقاتی بیشتر بوده است. همچنین در میان متغیرهای اجتماعی-جمعیتی، وضعیت شغلی زوجین و وضعیت اقتصادی با رضایت زناشویی و تمایل به طلاق رابطه‌ی قوی و معناداری داشته‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از مسائل اجتماعی مهم در زمان معاصر مسئله‌ی طلاق است. تغییرات ساختاری در جامعه‌ی ایران به تغییر در الگوهای ازدواج و درنهایت، به افزایش روزافزون نرخ طلاق انجامیده است. بر همین اساس در مطالعه‌ی حاضر، تأثیر الگوهای مختلف ازدواج در رضایت زناشویی و تمایل به طلاق در میان جوانان متأهل در شهر تهران بررسی شد. داده‌های مورد نیاز پژوهش با استفاده از پیمایش نمونه‌ای و ابزار پرسش‌نامه محقق‌ساخته در میان ۷۲۰ جوان همسر دار ساکن در مناطق مختلف شهر تهران گردآوری شد. یافته‌ها نشان داد که حدود یک‌پنجم جوانان بررسی شده رضایت زناشویی پایین و در نتیجه، تمایل زیادی به طلاق داشته‌اند. عوامل مختلفی در این وضعیت اثرگذار هستند که یکی از مهم‌ترین آنها الگوهای نامناسب ازدواج است. نتایج تحلیل چندمتغیره نشان داد که فاصله و تفاوت سنی زوجین رابطه‌ی منفی با رضایت زناشویی و رابطه‌ی مثبت با شاخص تمایل به طلاق دارد. بدین معنی که هرچه تفاوت سنی بین زوجین بیشتر باشد، رضایت زناشویی کمتر شده و تمایل به طلاق افزایش می‌یابد. این یافته با نتایج برخی مطالعات پیشین (گلشن، ۱۳۷۲؛ جلیلیان، ۱۳۷۵؛ ریاحی و همکاران، ۱۳۸۶؛ برناردی و پستر، ۲۰۰۱) همسو است. ازدواج خویشاوندی/غیرخویشاوندی در رضایت زناشویی و تمایل به طلاق تأثیر معناداری نداشت. در مطالعات پیشین (ملتفت و احمدی، ۱۳۸۷) رابطه‌ی معنادار این دو متغیر به‌دست آمده بود که با یافته‌ی مطالعه‌ی حاضر هماهنگ نیست. نحوه‌ی انتخاب همسر با رضایت زناشویی و تمایل به طلاق رابطه‌ی معناداری دارد. به این ترتیب در افرادی که والدینشان بدون تأیید آنها برایشان همسر انتخاب کرده‌اند (ازدواج ترتیب‌یافته)، رضایت زناشویی پایین و تمایل به طلاق بیشتر است. بنابراین، ازدواج ترتیب‌یافته توسط والدین خطر طلاق را افزایش می‌دهد، زیرا این ازدواج‌ها بر پایه‌ی احساس و عشق دوطرفه نبوده است و بیشتر براساس مصالح و منافع اجتماعی و اقتصادی خانواده‌ها شکل می‌گیرد. علاوه بر این، در الگوی مدرن همسرگزینی نیز تمایل به طلاق بیشتر است. در واقع، افرادی که خود همسرشان را انتخاب کرده و این انتخاب با تأیید و موافقت والدین همراه نبوده است (ازدواج خودانتخابی)، رضایت زناشویی پایین‌تر و تمایل بیشتری به طلاق داشته‌اند. این یافته در مطالعات پیشین (مددی، ۱۳۸۰؛ یای و همکاران، ۲۰۰۲) نیز تأیید شده است.

همچنین، نتایج نشان داد در افرادی که همسان‌همسری طبقاتی داشته‌اند، رضایت زناشویی بیشتر و در نتیجه، تمایل کمتری به طلاق دارند. در مقابل، در افرادی که ناهمسان‌همسری طبقاتی وجود دارد، به‌ویژه در مواردی که طبقه‌ی اقتصادی و اجتماعی خانواده زن بالاتر از مرد است، رضایت زناشویی پایین‌تر و تمایل به طلاق بیشتر محسوس است. در مقابل همسان‌همسری سنی، تحصیلی و قومی تأثیر معناداری در رضایت زناشویی و تمایل به طلاق ندارند. بنابراین، همان‌طور که نظریه‌ی همسان‌همسری استدلال می‌کند، پایداری خانواده ناشی از وجود ویژگی‌های همسان میان زن و شوهر است (اسحاقی و همکاران، ۱۳۹۱). همسانی طبقاتی میان دو فرد هم آنها را به‌سوی هم جذب می‌کند و هم اینکه پیوند و وصلت آنها را پایدار می‌سازد. از این‌رو، یکی از زمینه‌های فرهنگی افزایش طلاق ناهماهنگی میان عادت‌واره‌های فرهنگی زوجین است. در این شرایط حتی تشابه میان سرمایه‌های فرهنگی برای جلوگیری از وقوع طلاق و جدایی کافی نیست. بر این اساس، ازدواج‌های که بر مبنای همسانی و قرابت عادت‌واره‌های فرهنگی خانواده‌ها شکل می‌گیرد، موفق‌تر و بادوام‌تر هستند (منادی، ۱۳۸۵).

۴۱

تجربه‌ی رابطه‌ی دوستی و معاشرت با جنس مخالف پیش از ازدواج از عواملی است که در رضایت زناشویی و تمایل به طلاق تأثیرگذار است. یافته‌ها نشان داد، تجربه‌ی معاشرت و رابطه‌ی جنسی قبل از ازدواج با فردی غیر از همسر فعلی، کاهش معناداری در رضایت زناشویی و تمایل به طلاق داشته است. از این‌رو، افرادی که قبل از ازدواج تجربه‌ی معاشرت و رابطه‌ی جنسی با جنس مخالف داشتند، در زندگی زناشویی خود با مشکل مواجه شده‌اند و تمایل بالایی به طلاق دارند. مطالعات داخلی و خارجی زیادی (خلج‌آبادی و زاده‌محمدی، ۱۳۹۱؛ Berrington & Diamond, 1999؛ Bernardi & Pastor, 2001; Ambert, 2009; Doherty, 2007; Yi, Schultz, 2002) نیز نشان داده‌اند که داشتن رابطه‌ی قبل از ازدواج احتمال طلاق را بالا می‌برد. با توجه به اینکه بیشتر طلاق‌ها در دوران و سنین جوانی و به‌ویژه اوایل زندگی زناشویی رخ می‌دهد. شناخت تعیین‌کننده‌های طلاق در سنین جوانی و چند سال اول زندگی زناشویی از نقطه‌نظر سیاست‌گذاری در مورد کاهش طلاق بسیار اهمیت دارد.

منابع

- ◀ اسحاقی، محمد، فاطمه محبی، ستار پروین و فریبرز محمدی، ۱۳۹۱. «سنجش عوامل اجتماعی مؤثر بر درخواست طلاق زنان در شهر تهران»، زن در توسعه و سیاست، ۱۰، ۵، ش ۳.
- ◀ آستین‌فشان، پروانه، ۱۳۸۰. بررسی روند تحولات سن ازدواج و عوامل اجتماعی-جمعیتی مؤثر بر آن طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۴۴، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی)، به راهنمایی محمدجلال عباسی شوازی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی).
- ◀ آقا، هما، ۱۳۸۳. «بررسی تحولات سن ازدواج و توازن نسبت‌های جنسی در سنین ازدواج در ایران»، مجموعه مقالات دومین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- ◀ توسلی، غلامعباس، علی غیائی‌ندوشن، ۱۳۹۰. «عوامل اجتماعی مؤثر بر طلاق طی دهه‌های اخیر: مورد مطالعه استان یزد سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۸۶»، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، س سوم، ش چهارم.
- ◀ جلیلیان، زهرا ۱۳۷۵. عوامل مؤثر بر درخواست طلاق در شهر تهران، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی)، به راهنمایی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی.
- ◀ خلیج‌آبادی‌فراهانی، فریده و علی زاده‌محمدی، ۱۳۹۱. «بررسی رابطه بین معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج و رضایت زناشویی در زنان و مردان متأهل دانشجو در تهران»، خانواده پژوهی، د ۱۱، ش ۴۱.
- ◀ حبیبه بی‌بی رازقی نصرآباد و لیلا فلاح‌نژاد، ۱۳۹۶. «تفاوت‌های نسلی ارزش ازدواج (مورد مطالعه‌ی شهر هشتگرد)
- ◀ ، مطالعات راهبردی زنان، دوره ۱۹، ش ۷۵.
- ◀ رحیمی، حسین، ۱۳۷۹. «بررسی عوامل طلاق در استان خراسان»، جمعیت، س هشتم، ش ۳۳، ۳۴.
- ◀ ریاحی، محمداسماعیل، اکبر علیوردی‌نیا و سیاوش بهرامی‌کاکاوند، ۱۳۸۶. «تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق: مطالعه موردی شهرستان کرمانشاه»، پژوهش زنان، د ۵، ش ۳.
- ◀ ریحانی، طیبه، محمود عجم، ۱۳۸۱. «بررسی علل طلاق در شهر گناباد»، افق دانش، س ۸، ش ۲.
- ◀ سراپی، حسن، ۱۳۸۵. «تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، س یکم، ش ۲.
- ◀ شهری، نرگس، ۱۳۸۵. بررسی عوامل مؤثر بر سن ازدواج زنان و مردان بندر ترکمن، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی)، به راهنمایی محمد میرزایی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- ◀ شیرزاد، جلال، امیرمحمد کاظمی‌فر، ۱۳۸۳. «مطالعات همه‌گیرشناسی زوجین در حال طلاق ارجاعی به اداره کل پزشکی قانونی شهر همدان در سال ۱۳۷۹»، پزشکی قانونی، ش ۳۶.
- ◀ صادقی، رسول، علی محمد قدسی و جواد افشارکهن، ۱۳۸۶. «واکاوی مسئله ازدواج و اعتبارسنجی یک راه‌حل»، زن در توسعه و سیاست، ش ۱۷.
- ◀ عباسی شوازی، محمدجلال، عباس عسکری‌ندوشن، ۱۳۸۴. «تغییرات خانواده و کاهش باروری در

ایران: مطالعه موردی استان یزد»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۵.

- ◀ عسکری‌ندوشن، عباس، فاطمه فتوحی تفتی و ملیحه علی‌مندگاری، ۱۳۹۷. «تفاوت‌های اقتصادی- اجتماعی مرتبط با سن ازدواج زنان در ایران: مطالعه‌ی تطبیقی دختران جوان در آستانه‌ی ازدواج و زنان همسر دار ۴۹-۱۵ ساله»، مطالعات راهبردی زنان، دوره ۲۰، ش ۷۹.
- ◀ عنایت، حلیمه، عبدالله نجفی اصل و صادق زارع، ۱۳۹۲. «بررسی عوامل مؤثر بر طلاق زود هنگام در بین جوانان شهری شهر بوشهر (مقایسه دو گروه افراد طلاق گرفته و متأهل طلاق ننگرفته)»، پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، س دوم، ش ۳.
- ◀ غیائی، پروین، لادن معین و لهراسب روستا، ۱۳۸۹. «بررسی علل اجتماعی گرایش به طلاق در بین زنان مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده شیراز»، زن و جامعه، س اول، ش سوم.
- ◀ فخراپی، سیروس و شرمین حکمت، ۱۳۸۹. «عوامل اجتماعی مؤثر بر شدت طلاق از سوی زنان شهرستان سردشت»، زن و مطالعات خانواده، س دوم، ش هفت.
- ◀ گلشن، صیاد، ۱۳۷۲. بررسی طلاق و عوامل اجتماعی- جمعیت‌شناختی مؤثر بر آن در سال‌های ۱۳۷۰ - ۱۳۶۴ در شهرستان خوی، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی)، به راهنمایی محمد جهانفر، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- ◀ محمودیان، حسین، ۱۳۸۳. «سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۴.
- ◀ مددی، حسین، ۱۳۸۰. بررسی علل تقاضای طلاق زوجین (دیدگاه اقتصادی- اجتماعی) در شهرستان اراک در نیمه دوم سال ۱۳۷۸، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مددکاری اجتماعی)، به راهنمایی حسین فکرآزاد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- ◀ ملتفت، حسین، و حبیب احمدی، ۱۳۸۷. «بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق: مطالعه موردی شهرستان داراب»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی، س سوم، ش ۵.
- ◀ منادی، مرتضی، ۱۳۸۵. جامعه‌شناسی خانواده: تحلیل روزمرگی و فضای درون خانواده، تهران: دانه.
- ◀ میرزایی، محمد، ۱۳۸۴. جمعیت و توسعه با تأکید بر ایران (ده مقاله)، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- ◀ والچاک، ابوت، ۱۳۶۶. طلاق از دید فرزندان، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: مرکز.

- ▶ Abbasi-Shavazi M.J. and P. McDonald, 2007. Family Change in Iran: Religion, Revolution and State, Chapter 7, *International Family Change: Ideational perspective*, Routledge, New York.
- ▶ Ambert A.M, 2009. *Divorce: Facts, Cause and Consequences*, York University, Edition, The Vanier Institute of the Family.
- ▶ Bernardi F. and J. I. Martin-Pastor, 2001. "Divorce risk factors and their variations over time in Spain", *Demographic Research*, 24.
- ▶ Berrington A. and I. Diamond, 1999. "Marital dissolution among the 1958 British birth cohort: the role of cohabitation", *Population Studies*, 53 (1).
- ▶ Bracher M, G. Santow, SP. Morgan, and J. Trussell, 1993. "Marriage dissolution in Australia: models and explanations." *Population Studies*, 47(3)
- ▶ Clarke-Stewart A. and C. Brentano, 2006. *Divorce: causes and consequences*, London: Yale University Press.
- ▶ Coleman M. and L. H. Ganong, 1984. "Effect of Family Structure on Family Attitudes and Expectations", *Family Relations*, 33 (3).
- ▶ Doherty H.W., 2007. "How common is divorce and what are the reasons?" *Journal of Family Issues*, 29 (3).
- ▶ Dommaraju, P., 2016. "Divorce and Separation in India", *Population and Development Review*, 42 (2).
- ▶ Fokkema T., and A. Broer (2004). Employment and divorce among Dutch women between 1903-1937, *Journal of the History of the Family*, 9.
- ▶ Hewitt B., 2008. "Marriage breakdown in Australia: Social correlates, gender and initiator status", *Social Policy Research Paper*, NO. 35.
- ▶ Jayakody R., R. Thornton, and V. Axinn, 2008. *International family change: Ideational perspective*, New York: Lawrence Erlbaum Associates.
- ▶ Kalmijn M. De Graaf., and J. P Janssen, 2005. "Intermarriage and the risk of marriage in Netherlands: the effects of differences in religion and in nationality, 1974-94", *Population Studies*, 59 (1).
- ▶ Larson, J. H. and T. B. Holman, 1994. "Premarital predictors of marital quality and stability". *Journal of Family Relations*, 43.
- ▶ Schoen, R., N. M. Astone, K. Rothert, N. J. Standish and Y. J. Kim, 2002.

“Women’s Employment Marital Happiness and Divorce”, *Social Forces*, 81 (2).

► Teachman, J., 2003. “Premarital sex, premarital cohabitation, and the risk of subsequent marital dissolution among women”, *Journal of Marriage and Family*, 65 (2).

► Yi, Zeng, T. P. Schultz, W. Deming and G. Danan, 2002. “Association of Divorce with Socio-Demographic Covariates in China, 1955-1985: Event History Analysis Based on Data Collected in Shanghai, Hebei, and Shaanxi”, *Demographic Research*, 7 (11).

